



محسن ادیب بهروز

«ربنا وابعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم آياتك و يعلمهم الكتاب والحكمة و يزكّهم انك انت العزيز الحكيم» (بقره، ۲ / ۱۲۹)

مفاهیمی را می‌توان در قرآن جست و جو کرد که از عمق و گستردگی ویژه‌ای برخوردارند؛ مجموعه‌ای از این گونه واژه‌ها بار عظیم انتقال فرهنگ قرآنی را به دوش دارند؛ فهم این واژگان از یک سو در فهم ابعاد معارف قرآنی سودمند است و از سوی دیگر در فهم موضوع و جایگاه انسان در زندگی، کار آمد.

تزکیه از این گونه واژه‌هاست که در نگاه قرآن، بخشی از اهداف عظیم رسالت را رقم می‌زند. اکنون، اندکی در ادب عربی، محتوای آن را بکاویم و آن‌گاه چگونگی و ابعاد آن را در فرهنگ قرآنی شناسایی کنیم.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تزکیه در فرهنگ‌ها

خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۵ هـ. ق) نوشته است: «زکی، یزکی تزکیه و الزکاة: راستی، استواری، دور بودن از عیب و کاستی. هر چیزی که افزون شود و رشد کند، یزکو زکاء است.»^۱

محمد درید (م ۳۲۱ هـ. ق) آورده است: «الزکاء با الف ممدود؛ زکاء الزرع به معنای حاصل و درآمد کشته است.»^۲

زکی (ز-ک-ی) بر رشد و فزونی دلالت می‌کند. به زکات اموال، از این جهت زکات می‌گویند چون در ادای آن امید به رشد و فزونی مال دارند و بعضی می‌گویند: چون موجب پاک شدن اموال می‌شود، به آن زکات گفته می‌شود. پس بازگشت همه معانی آن به رشد و طهارت است.^۳

ابن اثیر به ریشه‌یابی این واژه پرداخته و نوشته است: «معنای اصلی زکات در لغت، طهارت، محصول، برکت و ستایش است که به همه این موارد در قرآن و حدیث، اشاره شده است.»^۴



ابن منظور (م ۷۱۱ هـ. ق) به گستردگی، موارد استعمال این واژه را آورده، از جمله نوشته است: زکا با الف ممدود، به معنای محصول است. او ساختار ماضی آن را به معنای رشد کرد و فزونی یافت گرفته است. این که گفته می‌شود: زکی نفسه تزکیه یعنی خودش را ستایش کرد؛ خود ستایی کرد و زکا به معنای پاک گردانیدن است. ۵

آن چه در توضیح و تبیین معنای تزکیه آوردیم، در برخی از منابع لغوی دیگر نیز آمده است. ۶ از مجموع آن می‌توان نتیجه گرفت که معنای اصلی و لغوی تزکیه، پیراستن، آراستن و رشد دادن است.

تزکیه در نگاه مفسران و قرآن پژوهان

آنچه را آوردیم، مفسران و قرآن پژوهان نیز به هنگام بازشناسی معنای تزکیه یاد کرده‌اند. محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ. ق) نوشته است: «تزکیه به معنای تطهیر است و زکات، فزونی مال». ۷

شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ. ق)، تنها اقوال و آرای گوناگون را گزارش کرده است:

ابن عباس تزکیه را به معنای اطاعت خداوند و اخلاص برای او دانسته است.

ابن جریر می‌گوید: «زدایش انسان از شرک را تزکیه گویند.»

جبابی اظهار می‌دارد: «آنان را بر انجام کاری و عملی فراخواند، موجب تزکیه شود. ۸»

شیخ ابوالفتح رازی (م ۵۳۳ هـ. ق) نیز درباره تزکیه نوشته است: «ویزکیهم، ایشان را تزکیه کند، یعنی استدعا کند ایشان را با کارهایی که به آن مزکی و مطهر شوند و معنی آن است که ایشان را از شرک و گناه پاکیزه کند. ۹»

امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۳ هـ. ق) نیز، در این باره نوشته است: «تزکیه، نمو دادن و در معرض نمو و ترقی قرار دادن است. ۱۰ وی در مقامی دیگر (سوره نساء، ۴ / ۴۹) می‌نویسد: «تزکیه، به معنای پاک گردانیدن و از زشتی دور گردانیدن، است. ۱۱»

فخر رازی (م ۶۰۳ هـ. ق) تزکیه را به کامل شدن استعدادهای عقلانی که به واسطه معارف الهی، انجام بگیرد، معنا کرده است. ۱۲

فیروز آبادی (م ۸۱۷ هـ. ق) با توجه به طیف معنایی گسترده آن (تزکیه) در قرآن کریم، مصادیق مختلفی را برای آن رقم زده است؛ به مثل: پاکی، پیراستگی، اداء زکات و ... ۱۳

شیخ فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۵ هـ. ق) بر اساس معنای طهارت، به تفسیر آیات مربوط به تزکیه پرداخته است. ۱۴

محقق و قرآن پژوه معاصر، استاد حاج شیخ حسن مصطفوی، در جمع بندی آنچه پیشینان درباره معنای تزکیه آورده‌اند، نوشته است: «معنی اصلی در این ماده (ز-ک-و) کنار زدن آنچه که حق نیست

و بیرون کردن آن از وجود سالم مانند کنار گذاشتن زشتی‌ها و ناپهنجاری‌های دل و رفتارهای زشت از زندگی انسانی و جداسازی حقوق مردم از ثروت و ... می‌باشد. ۱۵»

وی آن‌گاه به تفاوت واژگان تطهیر، تزکیه و تهذیب می‌پردازد و می‌نویسد: «در تطهیر دستیابی به طهارت و پاکی در برابر آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها، مورد نظر است و در تزکیه کنار گذاشتن آنچه که کنار زدنش بایسته و در تهذیب رسیدن به خلوص. ۱۶»

او آنگاه معانی رشد، فزونی، نیکویی، پاکی، برکت و شایستگی را از آثار معنی اصلی آن دانسته و نه خود معنای آن. ۱۷»

از مجموع آنچه آوردیم، می‌توان نتیجه گرفت که در ماده اصلی تزکیه پیراستن و آراستن، رشد و فزونی و در معرض رشد و ترقی قرار دادن، لحاظ شده است و بر استواری این نتیجه، تأییدی است در آنچه پیشتر از مفسران و قرآن پژوهان آورده شدو همچنین می‌توان در کلام و سخن مفسرانی چون؛ فیض کاشانی، ابوحیان نحوی اندلسی، ابن کثیر، بیضاوی، ابن عاشور، علامه طباطبایی، سید قطب، آلوسی، زید بن علی و... این معنی را جست‌وجو کرد. ۱۸»

تزکیه در قرآن

واژه تزکیه با مشتقات و ساختارهای گوناگون، بیست و پنج بار در قرآن آمده است و ساختار مضارع آن بیشترین کاربرد را در حوزه استعمال آن در قرآن داراست. این موارد گاه باتلاوت آیات همراه شده است و گاه با تعلیم کتاب و حکمت قرین گشته است. در این آیات الهی ضمن تبیین جایگاه تزکیه، در انسان سازی رسول الله ﷺ به ترسیم مفهوم و محتوای قرآنی آن، پرداخته شده است. بنگرید:

۱. «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ فِیْهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیَاتِكَ وَیَعْلَمُهُمُ الْکِتَابَ وَ الْحِکْمَةَ وَیُزَكِّیْهِمْ، اِنَّکَ اَنْتَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ» (بقره، ۲ / ۱۲۹)

در این آیت الهی، ابراهیم خلیل علیه السلام از خداوند می‌خواهد پیامبری را در خانواده او قرار دهد که آن پیامبر به انجام سه وظیفه قیام کند.

مفسر جلیل، امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۳ هـ. ق) در تفسیر این آیه می‌نویسد: «آیاتی که بر تو وحی می‌شود، بر آنان بخوان تا بدانند و قرآن را یاد ده تا محتوای آن را بشناسند و پیروانی با خلوص پدید آورد. ۱۹»

پیام آوری را که ابراهیم علیه السلام از خداوند درخواست می‌کند دارای سه ویژگی است. تلاوت آیات، تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه.

«یتلوا علیهم آیاتک»؛ «یعلمهم الکتاب والحکمة» و «یزکّیهم».

نیشابوری (م ۷۲۸ هـ. ق) در تبیین سومین ویژگی نوشته است: «ارکان ارشاد به آراستن و پیراستن



است؛ همان گونه که وظیفه معلم آگاه نمودن به زیبایی های کمال است، به کاستی های کمال نیز بایست هشدار دهد و این همان است که پیامبر ﷺ انجام داد. و این بدان جهت است که حضرتش به دو صفت شایسته خلق عظیم و - اعطا شده - مکارم اخلاق ستایش گردید. «۲۰»

تزکیه را نمی توان به پیرایش ظاهر محدود کرد بلکه پاک سازی درون از شرارت های شرک آلود را نیز شامل است. ۲۱.

پاک سازی از شرک و گناه کافی نیست و چه بسا کفر نیز منشأ زشتی ها و کجی ها باشد؛ پس به پیراستن درون از کفر، نیز باید پرداخت. ۲۲.

در پیرایش و آرایش، شناسایی شرک و تشخیص مهم ترین نوع آن، ضرورتی انکار ناپذیر است. ابن عاشور، پس از بیان تفسیری ظریف از «یتلوا علیهم آیاتک» که خواندنی آگاهانه و پیوسته است می نویسد: «یزکیهم زدایش و پیراستن بزرگترین شرک می باشد که آن شرک به خداست. «۲۳»
تنها شرک و کفر نیست که پیرایش آن، بایسته است بلکه رفتارهای زشت و ناپسند و ناهنجاری ها را نیز شامل است.

مفسر جلیل، سید عبدالحسین طیب پس از فرق انگاشتن میان تلاوت و تعلیم به خواندن و تفسیر، تأویل نموده است و برای آشنایی به ژرفای آن می نویسد «یزکیهم؛ تزکیه به معنای تطهیر از شرک، کفر، ظلال، اخلاق رذیله صفات خبیثه و معاصی کبیره و صغیره است و مرتبه اعلای آن، عصمت است. که مفاد آیه شریفه «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» (احزاب، ۳۳/۳۳) می باشد. ۲۴.

۲. «کما ارسلنا فیکم رسولا منکم یتلوا علیکم آیاتنا و یزکیهم و یعلمکم الکتاب و الحکمة و یعلمکم مالم تکنوا تعلمون» (بقره، ۱۵۱/۲)

در آیه قبلی دعای ابراهیم ﷺ مطرح گردید و در این آیه، پاسخ دعا: «همان گونه که از خودتان، پیامبری را به میان شما فرستادیم که آیات قرآن را بر شما بخواند و از شرک و کفر، شما را بپیراید، پس بر چنین نعمتی معرفت یابید! «۲۵» سیاق و آهنگ آیه، یا با آیات پیشین هم سو است که کمال نعمت بر انسان ها بوده باشد، چنانچه فرمود: «با تعیین پیامبری از شما، نعمتم را کامل گردانیدم» و یا به آیات پسین هم نوا است که «اذکرونی» باشد. ۲۶.

روش و شیوه در اطلاع رسانی، پیام رسانی و رهنمون سازی انسانها بر حقیقتها و واقعیتها، در تأثیرگذاری و اثربخشی آگاهی و داده ها مؤثر و کارآمد است. گاه زبان کنایه در انتقال حقیقت، از کلام صریح، تأثیرگذارتر است.

شیخ طوسی (ره) در این باره نوشته است: «یزکیهم؛ به آنچه که شما را پاکیزه^{۲۷} نماید، به زبان کنایه فرموده به مثل اطاعت خداوند و فراهم سازی رضوان الله را، به صراحت نفرمود. ۲۸.



تزکیه تنها پیراستن از شرک و کفر نیست چنانچه خواجه عبدالله انصاری نوشته است: «یزکیهم شما را از کفر و شرک پاک می کند و به دینی می خواند که چون آن دین دارید و بر آن عمل کنید؛ کتم ازکیاء عبدالله عزوجل، به نزدیک الله پاک باشید و هنری و زکی». ۲۹

مفسران در تفسیر این آیت الهی، هم نظر نیستند؛ دیدگاه های گوناگون را در این باره بر اساس گزارش فخرالدین رازی می آوریم:

۱. رسول الله ﷺ به هر آنچه که انسان را پاکیزه گردانید آگاهی دهد.

۲. بر رفتارهای شایسته آنان، آگاهی می دهد.

۳. آنان را به رشد و کمال می رساند. ۳۰

سه روش انجام وظیفه؛ سه مرتبه در تربیت؛ آراستن جهت نخستین دیدگاه و رشد و فزونی در نگاه سوم و مرز مشترک سه نظر، مزکی بودن رسول الله ﷺ است و پیش زمینه در دیدگاه سوم، انجام دو مرحله پیشین است. در صورتی که سومین دیدگاه را بپذیریم، رسالت رسولان تنها ابلاغ «وما علی الرسول الا البلاغ المبین» (نور، ۲۴ / ۵۴) نیست اما اگر نخستین نظر را پذیرا باشیم - که هستیم - تناسب با رسالت پیامبر نیز خواهد داشت که این تأثیری بس شگرف در وظیفه مزکیان خواهد داشت. اکنون بنگریم دیدگاه مفسران را:

آنچه را که پیشتر از شیخ طوسی آوردیم نخستین دیدگاه را استوار می دارد و نیز کلام مفسرانی چون ابو مظفر سمعانی (م ۴۸۹ هـ. ق)، قرطبی (م ۶۷۱ هـ. ق)، بیضاوی (م ۶۹۱ هـ. ق)، نسفی (م ۷۱۰ هـ. ق) و نیشابوری (م ۷۲۸ هـ. ق). ۳۱

سومین رأی را نیز مفسران دیگری تأیید کرده اند. عبدالرحمان ثعالبی می نویسد: «یزکیهم یعنی شما را از کفر پاک می نماید و با اطاعت الهی به رشد و کمال می رساند. ۳۲ و شیخ محمد طاهر بن عاشور با پذیرش دیدگاه ثعالبی در تلاش جهت استواری آن می نویسد: «در آفرینش انسان، زیبایی هایی نهاده شده که با رفتارهای زشت و ناهنجاری های دل، پنهان می ماند؛ تربیت نفس با بهره وری از این ودیعه الهی، آدمی را به رشد و کمال می رساند. ۳۳»

مفاهیم ارزشی، اگر در قالب مصداق ها و نمونه ها و نمونه های عینی، جای گیرد، کارآمد و مفید خواهد بود. شیخ مصطفی مراغی در تبیین معنای تزکیه به نمونه های عینی و روشن اشاره دارد و می نویسد: «یزکیهم یعنی جان هایتان را از چرکینه های پستی که در میان عرب ها گسترش یافته بود، می پیراید به مثل زنده به گور کردن دختران و کشتن فرزندان، و رفتارهای بایسته را در میان جان هایتان کشت می کند. ۳۴ تزکیه از منظر مفسران در این دو آیت الهی - سوره بقره آیه ۱۲۹ و ۱۵۱ - پیراستن، آراستن، آگاهی دادن و به کمال رسانیدن بود.

پیراستن از باورهای واهی، شرک، کفر و رفتارهای زشت.



آراستن به اندیشه‌های بنیادین، اصیل و رفتارهای بایسته الهی.
آگاه نمودن بر ابزارهای پاکیزگی، پاکیزه خواهی و پاک بودن.

و فرجام آن که شکوفایی استعداد های عقلی و عملی (عقل نظری و عملی) و رشد و کمال آدمی.
۳. «هو الذی بعث فی الامم رسولاً منهم یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لقی ضلال مبین» (جمعه، ۶۲ / ۲)

سوره جمعه، بیست و چهارمین سوره نازل شده در مدینه است. ۳۵
پیش از آن، سوره تحریم نازل شده و در پسین آن، سوره تغابن ۳۶ آهنگ کلی سوره، ارزش گذاری به عمل عبادی و اجتماعی نماز جمعه است و نیز منت گذاری بر مردم آن سامان که در میان آنان پیامبری برانگیخته شده که به ساختن جامعه ای نو و اندیشور اهتمام خواهد ورزید، جامعه ای که مدعیان برتری خواه آن روزگار - یهود - دشمنش می دارند و نیز هشدار می دهد که جامعه اسلامی که رهرو نباشد و به مخالفتش اهتمام نورزند. ۳۷

بنگرم معنای یزکیهم را در نگاه مفسران در این آیت الهی.
شیخ طوسی (ره) پس از تبیین بعثت پیامبر ﷺ و امی بودن آن حضرت در معنای یزکیهم این چنین می نویسد: «به واسطه آنچه که آنان را به ایمان رهنمون می کند از آلودگیهای شرک می پیراید تا از پاکان گردند. ۳۸»

فخر رازی با گزارش آنچه که شیخ طوسی در توضیح امی بودن رسول الله ﷺ بیان کرده، یزکیهم را پیراستن از آلودگی های شرک و غیر آن می داند به مثل فساد و تباهی گفتاری و رفتاری، اگر چه با استناد به کلام دیگران به استواری معنای شیخ طوسی نیز پرداخته است. ۳۹

شیخ مصطفی مراغی، از مفسران معاصر، تزکیه را دومین هدف بعثت پیامبر ﷺ دانسته که در آن معنایی فراتر از پیراستن از پلیدی های شرک و رفتارهای جاهلی می انگارد.
و آن خداجو و فانی در خدا، خدا محور در گفتار و رفتار و سرانجام؛ تنها، در برابر قدرت و فرمان خداوند، فروتن باشد، می داند. ۴۰

قرطبی ایمان را در تزکیه، ابزاری برجسته و مؤثر در زدایش آلودگی های قلبی می داند و بدون آن، پیراستن قلبی را ناممکن دانسته است. ۴۱

محدوده تزکیه در نگاه سید قطب، گسترده تر و فراتر از آن چیزی است که عالمانی چون فخر رازی و قرطبی گفته اند، وی پس از تبیین امی بودن رسول الله ﷺ و اهمیت بسیار چشمگیر این خصیصه در جامعه جاهلی، گستره تزکیه را این گونه ترسیم می کند: پاکسازی در درون و اندیشه، رفتار و مشی، زندگی زناشویی، روابط اجتماعی، پاکسازی از باورهای شرک، به گونه ای که انسان را به معتقدات الهی برساند و از تصورات باطل به اندیشه های صحیح رهنمون گردد و از الگوهای خیالی به واقعیت های



شفاف، انتقال دهد و نیز از پلیدی نابسامانی اخلاقی به نظام اخلاقی-ایمانی و از ناپاکی ربا و درآمدهای حرام به پاکی درآمدهای حلال و ... رهنمون گردد. ۴۲

زکات و تزکیه همان گونه که در نظر برخی از لغت شناسان در یک معنا دیده می شد در نزد برخی از مفسران نیز چنین است به مثل علامه طباطبایی (ره).

ایشان تزکیه را مصدر باب تفعیل و از ریشه زکات دانسته اند و بر این اساس نوشته اند: «زکات به معنای رشد شایسته با خیر و برکت همراه است.» پس تزکیه مردم توسط رسول الله ﷺ به این معناست که آنان به رشدی شایسته می رسند و رفتارهای ارزشی در آنان استمرار پیدا می کند تا در انسانیت خود به کمال دست یابند و در دنیا و آخرت به ثبات اندیشه و رفتار دست یابند و زندگی و مرگی سعادت مند پیدا کنند. ۴۳

آنچه تا بدین جا آوردیم، تفسیر آیاتی بود که یزکیهم در آنها با جمله های «یتلوا علیهم» و «یعلمهم الكتاب والحکمة» همراه بود.

در این آیات الهی تزکیه پیراستن از شرک، کفر، بزرگ منشی، تنگ نظری و رفتارهای زشت و نکوهیده است.

تزکیه آراستن به اندیشه های استوار الهی و روابط فردی و اجتماعی الهی است.

تزکیه رشد ویژگی های اخلاقی بایسته- عمل صالح- و باورهای اعتقادی، فراخوانی به مکتبی پاک پرور، آگاه نمودن بر ابزارهای پاکیزه شدن و پرورش انسانی زکی القلب و منیب الی الله می باشد.

اما چه انسانی شایستگی و بایستگی این تزکیه را دارد؟

آیا تزکیه خواستن و انتخاب است؟ نمونه های قرآنی واقعی و عینی و ره آورد تزکیه چیست؟ چهره های دروغین تزکیه کجاست؟ حرمان از تزکیه در کجا محقق می شود و جایگاه اراده الهی در تزکیه چگونه است؟ اینها پرسش هایی است که در آیات الهی، جوینده پاسخ آئیم.

امید آن که در مقال بعدی به پاسخ برخی از آنها دست یابیم. ان شاء الله

۱. ترتیب کتاب العین، ۲ / ۷۵۸ و کتاب العین، ۵ / ۳۹۴ به تحقیق دکتر مهدی مخروی و ابراهیم السامرائی.
۲. محمد بن حسن بن درید، جمهرة اللغة، ۲ / ۱۰۷۱، تحقیق دکتر رمزی منیر بعلبکی، چاپ دارالعلم للملایین.
۳. معجم مقاییس اللغة، ۳ / ۱۷.
۴. النهایه، ۲ / ۳۰۶.
۵. لسان العرب، ۶ / ۶۴.
۶. الصحاح، ۶ / ۲۳۶۸؛ محمد مرتضی حسین واسطی، تاج العروس، ۱۹ / ۴۹۴، تحقیق علی شبری، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ. ق و المعجم الوسیط / ۳۹۶.
۷. جامع البیان عن تأویل القرآن، ۱ / ۷۷۵.
۸. التبیان فی تفسیر القرآن، ۱ / ۴۶۷.
۹. روض الجنان، ۲ / ۱۷۳.
۱۰. دکتر محمد مفتح، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ۲ / ۱۱۶.
۱۱. تفسیر مجمع البیان، ۲ / ۵۸.



۱۲. تهذیب تفسیر کبیر، ۲/ ۲۸۳.
۱۳. بصایر ذوی التمییز فی لطایف الکتب العزیز، ۳/ ۱۳۴.
۱۴. مجمع البحرین، ۱/ ۲۰۳.
۱۵. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۴/ ۲۹۳.
۱۶. همان، ۲۹۴.
۱۷. همان.
۱۸. تفسیر صافی، ۱/ ۳۹۷؛ البحر المحیط فی تفسیر القرآن الکریم، ۲/ ۴۷؛ تفسیر القرآن العظیم، ۱/ ۱۸۶؛ حاشیه الشهاب علی تفسیر البیضاوی، ۲/ ۳۹۲؛ التحریر و التئویر، ۱/ ۷۲۳؛ تفسیر المیزان، ۱/ ۳۳۰؛ فی ظلال القرآن، ۱/ ۱۵۷؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن، ۱/ ۶۰۹؛ تفسیر غریب القرآن، ۱۳۸ و ۲۶۰؛ نور الدین محمد بن مرتضی کاشانی (م ۱۱۵ هـ. ق) تفسیر المعین، ۱/ ۷۲؛ میرسید علی حایری تهرانی، تفسیر مقتنیات الدرر، ۱/ ۳۱۲؛ هود بن محکم هوارى، تفسیر کتاب الله العزیز، ۱/ ۱۵۰؛ عبدالله بن محمود نسفی؛ تفسیر النسفی، ۱/ ۱۷۰، الجامع الاحکام القرآن، ۲/ ۸۹، محمد بن احمد انصاری قرطبی؛ ابوالفضل رشید الدین میدی؛ کشف الاسرار و عدة الابرار، ۱/ ۳۶۳؛ محمد سید طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ۱/ ۲۷۴، و سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱/ ۳۰۱.
۱۹. مجمع البیان، ۱/ ۳۹۴؛ نیز اسماعیل بن عمر بن کثیر (م ۷۷۴ هـ. ق) تفسیر القرآن العظیم، ۱/ ۴۴۵.
۲۰. تفسیر غرایب القرآن، ۱/ ۴۰۴.
۲۱. ر. ک: البحر المحیط، ۱/ ۶۲۷.
۲۲. ر. ک: التفسیر السمرقندی (مسمی به بحر العلوم)، ۱/ ۹۴.
۲۳. التحریر و التئویر، ۱/ ۷۲۳.
۲۴. اطیب البیان، ۲/ ۱۹۹.
۲۵. تفسیر السمرقندی (المسمی به بحر العلوم)، ۱/ ۱۰۴.
۲۶. همان.
۲۷. لسان التنزیل، ۲۹۵.
۲۸. تیان، ۲/ ۳۰ و ر. ک: مجمع البیان، ۱/ ۴۳۳؛ الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، ۱/ ۱۳۹.
۲۹. کشف الاسرار، ۱/ ۴۱۱.
۳۰. تهذیب التفسیر، ۱/ ۳۴۶.
۳۱. تفسیر سورتی الفاتحه و البقره، ۲/ ۹۸؛ الجامع لاحکام القرآن، ۲/ ۱۱۵؛ حاشیه الشهاب علی تفسیر البیضاوی، ۲/ ۴۲۶؛ تفسیر النسفی، ۱/ ۱۱۸؛ تفسیر غرایب القرآن، ۱/ ۴۳۷.
۳۲. تفسیر الثعالبی، ۱/ ۳۳۴.
۳۳. التحریر و التئویر، ۲/ ۴۹.
۳۴. التفسیر المراغی، ۱/ ۲۰۵.
۳۵. تفسیر الحدیث، ۸/ ۲۲۶؛ مجمع البیان، ۱۰/ ۱۶۵؛ الاتقان، ۱/ ۶۰؛ و شناخت سوره های قرآن/ ۴۴۲.
۳۶. التحریر و التئویر، ۲۸/ ۲۰۵؛ مجمع البیان، ۱۰/ ۱۶۵؛ الاتقان، ۱/ ۶۰.
۳۷. ر. ک: تفسیر المیزان، ۱۹/ ۲۶۳؛ التحریر و التئویر، ۲۸/ ۲۰۵؛ التفسیر الحدیث، ۸/ ۲۲۷؛ و تفسیر فی ظلال القرآن، ۶/ ۳۵۶۳.
۳۸. تیان، ۱۰/ ۴.
۳۹. تهذیب التفسیر الکبیر، ۷/ ۱۳۸ و نیز ر. ک: روح المعانی، ۱۵/ ۱۳۷.
۴۰. تفسیر المراغی، ۱۰/ ۸۰.
۴۱. الجامع لاحکام القرآن، ۱۸/ ۶۱.
۴۲. فی ظلال القرآن، ۶/ ۳۵۶۵.
۴۳. المیزان، ۱۹/ ۲۶۵.

